

به نام کردگار

◀ به نام کردگار هفت افلاک
 مفهوم: خالق بودن خداوند

◀ که پیدا کرد آدم از کفی خاک
 آن که جان بخشید و ایمان خاک را

◀ الهی فضل خود را یار ما کن
 مفهوم: بخشندگی خداوند

◀ ز رحمت یک نظر در کار ما کن
 به فضل و رحمت امیدوارم

◀ تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 مفهوم: رزاق بودن خداوند - خالق بودن خداوند

◀ دادار غیب‌دان و نگه‌دار آسمان
 رزاق بنده‌پرور و خلاق رهنما

◀ زهی گویا ز تو کام و زبانم
 مفهوم: ۱) قدرت کلام را خدا به ما داده است / ۲) خداوند همه جا هست، هم آشکار و هم پنهان

◀ سخن گفتن اندر زبان آفرید
 به نام خدایی که جان آفرید

◀ نشان از قامت رعنا تو بینم
 به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

◀ چو در وقت بهار آبی پدیدار
 مفهوم: بهار، جلوه‌ای از خداوند است. (تجلی خداوند در هستی)

◀ فروغ رویت اندازی سوی خاک
 عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

◀ چمن ز عشق رخ یار لاله‌باران شد
 بهار آمد و گلزار نورباران شد

◀ هر آن وصفی که گویم بیش از آنی

یقین دارم که بی‌شک جان جانی

مفهوم: غیرقابل وصف بودن خداوند

نه ادراک در کنه ذاتش رسد نه فکرت به غور صفاتش رسد

◀ نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی، آن‌چه خواهی

مفهوم: آگاهی خداوند / جهل انسان

🔗 تو چه دانی تو چه دانی که چه کانی و چه جانی

که خدا داند و بیند هنری کز بشر آید

پایهٔ دهم
درس ۱

چشمه و سنگ / خلاصهٔ دانش‌ها

◀ گفت: درین معرکه یکتا منم

◀ چون بدوم سبزه در آغوش من

◀ چون بگشایم ز سر مو شکن

◀ ابر ز من حامل سرمایه شد

◀ گل به همه رنگ و برازندگی

◀ در بن این پردهٔ نیلوفری

◀ زین نمط آن مست شده از غرور

مفهوم: خودستایی و غرور

🔗 بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت :

امروز همه روی جهان، زیر پر ماست

- ◀ چشمه کوچک چوبه آن جارسید
 - ◀ خواست کزان ورطه قدم در کشد
 - ◀ لیک چنان خیره و خاموش ماند
 - ◀ وان همه هنگامه دریا بدید
 - ◀ خویشتن از حادثه برتر کشد
 - ◀ کز همه شیرین سخنی گوش ماند
- مفهوم:** نابودی و خاموشی نتیجه غرور

🔗 ای گل شوخ که مغرور بهاران شده‌ای

خبرت نیست که در پی چه خزانی داری

- ◀ یکی قطره باران ز ابری چکید
 - ◀ که جایی که دریاست من کیستم
 - ◀ چو خود را به چشم حقارت بدید
 - ◀ بلندی از آن یافت کو پست شد
 - ◀ خجل شد چو پهنای دریا بدید
 - ◀ گر او هست حقا که من نیستم
 - ◀ صدف در کنارش به جان پرورید
 - ◀ در نیستی کوفت تا هست شد
- مفهوم:** توصیه به تواضع و افتادگی

🔗 افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

- ◀ تا راست تمام نشده، دروغ نگویم. تا مال حلال تمام نشده حرام نخورم.
- مفهوم:** پرهیز از دروغ و مال حرام

🔗 حلال و خوش خور و طاعت کن و دروغ نگو

بدین سه کار گویی به روز حشر بحل

- ◀ تا از عیب و گناه خود پاک نگردم، عیب مردم نگویم.

مفهوم: پرهیز از عیب‌جویی

🔗 این که در جستن عیب دگران صد چشمم

به عیوب خود اگر دیده‌ور افتم چه شود؟